

مقاله پژوهشی

روابط ایران و قدرت‌های بزرگ از منظر دیپلماسی

انقلابی امام‌خامنه‌ای و چالش‌های پسابرجام

مرتضی سویلی^۱، حبیب الله ابوالحسن شیرازی^۲،

شیوا جلال‌پور^۳، حامد عامری گلستانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

چکیده: دستاوردهای انقلاب اسلامی محدود به ایران و جهان اسلام نیست. ماهیت نظام جمهوری اسلامی همچون ولایت‌فقیه، ترکیب دین و سیاست، ماندگاری جمهوری اسلامی برای بیش از چهار دهه با توجه به سیاست‌های خصمانه اکثر ابرقدرت‌ها به خصوص آمریکا با نظام ایران، افزایش اقتدار آن و عدم عقب‌نشینی نظام از مواضع اصولی خود است، اما برخی دیگر از عملکردها در هر دوره‌ای تحت تأثیر مسائل زمان و مکان یعنی مقتضیات روز داخلی و جهانی و هم‌چنین با توجه به سیاست‌ها و برنامه‌های رؤسای‌جمهور بوده است. در بررسی شاخص‌های سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دیپلماسی اقتدار یا به تعبیری دیگر دیپلماسی انقلابی عملاً مهم‌ترین گفتمان خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل داده است و نقطه عزیمت این رویکرد دکترین نه شرقی نه غربی امام‌خمینی (ره)، معمار کبیر انقلاب اسلامی است. هم‌چنین امام‌خامنه‌ای هم با توجه به ضرورت «حفظ جهت‌گیری و روحیه انقلابی و دینی در دیپلماسی» نیازسنجی به بازتعریف الگوی اصیل دیپلماسی ایرانی-اسلامی در دهه چهارم انقلاب اسلامی مقابل مفاهیم غربی دیپلماسی را مورد تأکید قرار داده‌اند. لذا سوال اصلی مقاله این است که محورهای عمده الگوی دیپلماسی از منظر امام‌خامنه‌ای در روابط ایران و قدرت‌های بزرگ چیست؟ فرضیه به این ترتیب مطرح می‌شود که محورهای عمده الگوی دیپلماسی از منظر امام‌خامنه‌ای در روابط ایران و قدرت‌های بزرگ بر روی چهار محور «مانور هنرمندانه و قهرمانانه»، «برخورد مبتکرانه»، «عزت، حکمت و مصلحت» و «دیپلماسی انقلابی» استوار است.

واژگان کلیدی: سیاست‌خارجی، دیپلماسی انقلابی، جمهوری اسلامی ایران

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲. استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: habib_shirazi@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی، حاصل عزم و ایمان و نیروی انقلابی مردم ایران است که حول ولایت امام راحل (ره) بسیج شدند و طومار رژیم ۲۵۰۰ ساله ستم شاهی را در هم پیچیدند و نظام مقدس جمهوری اسلامی را تشکیل دادند. طبیعی است که جمهوری اسلامی برای دوام و بقای خود و دستیابی به اهداف والای انقلاب به همین نیروی انقلابی نیازمند است.

دشمنان نیز به علت شناختی که از این حقیقت به دست آورده‌اند، دائماً در تلاش‌اند تا این نظام مقدس را از محتوای اسلامی و انقلابی خود تهی کنند؛ به همین علت، برنامه‌ریزی همه‌جانبه‌ای برای تغییر محتوا، رفتار و افکار انقلابی مسئولان و مردم ولو با حفظ صورت جمهوری اسلامی، کرده‌اند.

بنابراین احیا و حفظ تفکر و جهت‌گیری انقلابی، شرط دستیابی به شعارها و آرمان‌هایی است که امام (ره) و امت در طول نهضت برای تحقق آن‌ها مبارزه کردند و با حفظ این روحیه است که می‌توان از مشکلات و موانع موجود کشور عبور کرد و به پیشرفت روزافزون ایران اسلامی سرعت بخشید.

دستاوردهای بزرگ ایران اسلامی و نفوذ چشم‌گیر آن در منطقه نیز، ناشی از روحیه و عملکرد انقلابی است و نباید فراموش کرد که کنار گذاشتن آن، فرجامی جز بلعیده شدن در هاضمه استکبار جهانی نخواهد داشت.

در واقع، حفظ هویت انقلابی مردم و مسئولان، عامل اصلی قدرت و اقتدار ملی و ضامن ایستادگی ملت ایران در برابر دشمنان قسم‌خورده اسلام و انقلاب و مصونیت‌بخش کشور از تظاول و تعرض قدرتهای استکباری است.

۲. مبانی نظری؛ اصول انقلابی‌گری از نگاه مقام معظم رهبری

اصلی‌ترین مبنای انقلابی‌گری، به ماندگاری دائمی حقیقت انقلاب بازمی‌گردد. این اصل، پاسخ‌دهنده ادعای برخی مبنی بر تبدیل انقلاب به جمهوری اسلامی است؛ در صورتی که جمهوری اسلامی چیزی جز صورت و مظهر انقلاب نیست و در نتیجه این دو حقیقت از هم جداشدنی نیستند.

بر این اساس انقلاب بر پایه ارزش‌ها و معارف اسلامی، حرکتی دائمی به سمت آرمان‌های عالی و تغییرناپذیر خود دارد و مبتنی بر مایه‌های معرفتی اسلام، مبانی انقلاب در همه شئون

زندگی و حکومت از جمله مسائل سیاسی حضور پیدا می‌کند.

از این رو مبتنی بر اصل اسلامی «ایمان بالله و کفر به طاغوت»، مبارزه با استکبار جزو مبانی اصیل انقلابی‌گری به حساب می‌آید و دوقطبی انقلاب - استکبار، محوری‌ترین دوگانه مشروع در جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. عصبانیت قدرت‌های مادی عالم از امام (ره) و امت ایران اسلامی هم به همین اصل برمی‌گردد و فشارها و تحریم‌های دشمنان ناشی از هراسی است که انقلاب به واسطه ظلم‌ستیزی و نفی همیشگی استکبار در دل آن‌ها ایجاد کرده است. مبتنی بر مطالب پیش‌گفته می‌توان محورهای ذیل را به‌عنوان اصول و مبانی انقلابی‌گری از دیدگاه مقام‌معظم‌رهبری بیان کرد:

۱. انقلاب؛ یک حقیقت ماندگار و دائمی و تمام ناشدنی (نادرستی ادعای تبدیل انقلاب به جمهوری اسلامی)؛
۲. حرکت دائمی انقلاب، به سمت آرمان‌های عالی و تغییرناپذیر؛
۳. اسلام؛ پایه، مایه و همه محتوای انقلاب اسلامی ایران؛
۴. رابطه با خدا؛ پشتوانه هویت انقلابی؛
۵. حضور ایدئولوژیک اصول و مبانی انقلاب اسلامی در سیاست داخلی و خارجی؛
۶. درهم تنیدگی و عدم تفکیک ایمان بالله و کفر به طاغوت در انقلاب اسلامی؛
۷. وجود دوقطبی انقلاب - استکبار در جمهوری اسلامی (نفی دوقطبی تندرو - میانه‌رو)؛
۸. مبارزه با استکبار جزو مبانی انقلاب و بزک چهره شیطان بزرگ مخالف انقلابی‌گری؛
۹. نگرانی، وا همه و فشارهای دشمنان، به علت انقلابی‌گری امام و امت (سویلمی مرتضی: ۱۴۰۲).

۳. شاخص‌های انقلابی‌گری از نگاه مقام‌معظم‌رهبری

بدیهی است برای عمل در مسیر انقلاب باید شاخص‌ها و معیارهای انقلابی‌گری را به‌درستی شناخت تا چراغ راه حرکت در این صراط الهی باشد. محورهای زیادی را می‌توان از صحیفه امام (ره) شاخص‌گذاری کرد، اما اخیراً مقام‌معظم‌رهبری (مدظله‌العالی) به پنج شاخص ایجابی که برای حرکت در اوضاع فعلی کشور بسیار پراهمیت است، اشاره فرمودند. علاوه بر این، از بیانات ایشان می‌توان برخی از شاخص‌های سلبی انقلابی‌گری را نیز احصا کرد که در ادامه

به صورت تفکیک شده بیان می شود.

۳-۱-۳. شاخص های ایجابی

۳-۱-۱. شاخص اول: پایبندی به ارزش های مبانی و اساسی اسلام

اولین شاخص، توجه و رعایت مبانی اصلی اسلام است. طبیعتاً اگر در میان مردم و مسئولان پایبندی به ارزش های اساسی وجود داشته باشد، این حرکت، مستمر و مستقیم خواهد بود و در تندباد حوادث تغییر نخواهد کرد. در تعبیر قرآنی، پایبندی به ارزش ها، به «استقامت» تعبیر شده است: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سوره مبارکه هود آیه ۱۱۲).

یکی از اصلی ترین این مبانی، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است. اسلام ناب دینی است که برای همه شئون زندگی، اعم از فردی، اجتماعی و حکومتی، برنامه دارد. منظور از اسلام آمریکایی نیز دو قرائت منحرف از این دین، یعنی اسلام متحجر و اسلام سکولار است. دیگر مبانی و ارزش های اساسی اسلام عبارتند از: محور بودن مردم، اعتقاد به پیشرفت و تحول و تعامل با محیط (با پرهیز از انحراف ها و خطاها) حمایت از محرومان و مظلومان در هر نقطه عالم و... نقطه مقابل این پایبندی، عملگرایی افراطی است؛ مشکل افراد و جریان های عملگرایی افراطی این است که هر روز به یک سو حرکت می کنند و هر حادثه ای آن ها را به سمتی می کشاند.

۳-۱-۲. شاخص دوم: همت بلند برای رسیدن به آرمان ها

شاخص دوم این است که هرگز از رسیدن به اهداف بلند انقلاب منصرف نشویم؛ به این معنی که به وضع موجود راضی نشویم، بلکه به دنبال تحول مثبت باشیم و به سمت آرمان ها پیشروی دائمی داشته باشیم. لازمه این امر هم تسلیم نشدن در مقابل موانع و فشارهای داخلی و خارجی است. نقطه مقابل این شاخص عبارت است از: تنبلی، محافظه کاری و ناامیدی.

۳-۱-۳. شاخص سوم: پایبندی به استقلال

باید استقلال کشور را در همه عرصه ها اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و در سه مقیاس داخلی، منطقه ای و جهانی حفظ کرد؛ توضیح این که، نظام سلطه برای دستیابی به اهداف

استعماری فرانویین خود به دنبال تسلط بر دیگر کشورها از طریق خدعه و تطمیع و تزویر است. غیر از این، استکبار جهانی برای دستیابی به اهداف شیطانی و مادی خود نیاز به استفاده از قدرت و نفوذ دیگر کشورها دارد. حال اگر جمهوری اسلامی گول ظاهرسازی‌ها و لپخندهای آن‌ها را بخورد و وارد بازی آن‌ها شود، نقشه دشمن را تکمیل کرده و ابزاری برای پر کردن جدول‌کاری آن‌ها شده است؛ این امر به معنای وابستگی سیاسی به بیگانگان است که استقلال سیاسی را نقض می‌کند.

از طرفی تقلید از غرب و بیگانه در سبک زندگی، ضدیت با استقلال فرهنگی را به همراه دارد. بنابراین، پایبندی به استقلال فرهنگی به معنای رعایت سبک زندگی اسلامی - ایرانی است. منظور از پایبندی به استقلال اقتصادی نیز هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جهانی است. بنابراین، استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی به دست می‌آید.

۴-۱-۳. شاخص چهارم: حساسیت در برابر دشمن

شاخص چهارم، شناخت دشمن و نقشه‌های او و حساسیت در مقابل حرکات، برنامه‌ها و اظهارات آمریکایی‌ها و جبهه همراه او است. طبعاً وقتی این حساسیت وجود داشته باشد، تبعیت از دشمن هم نخواهد بود. در تعبیر قرآنی این تبعیت نکردن، «جهاد کبیر» نامیده شده است. جهاد کبیر به معنی دوری از اطاعت کافر و خصمی است که در میدان مبارزه با او هستیم. این تبعیت نکردن باید در میدان‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی صورت گیرد. دایره این تبعیت نکردن به قدری فراخ و گسترده است که حتی نسبت به نسخه‌های به ظاهر شفافبخش سیاسی و اقتصادی دشمن هم باید با احتیاط برخورد کرد. برخی در نقطه مقابل این حساسیت درست و بجا، اصل دشمن را انکار و دلسوزان نظام را به «توهم توطئه» متهم می‌کنند؛ در حالی که به نظر می‌رسد طرح توهم توطئه، خود یک توطئه است، چون تنها نتیجه آن کم کردن حساسیت در مقابل دشمنان حيله‌گر و پر قدرت ملت ایران است.

۴-۱-۵. شاخص پنجم: تقوای دینی و سیاسی

تقوای دینی و سیاسی غیر از تقوای فردی است که البته آن هم لازم است. اسلام علاوه بر تقوای فردی، به تقوای اجتماعی نیز دعوت می‌کند و منظور این است که در راه تحقق اهداف و ارزش‌های اجتماعی اسلام تلاش کنیم. تقوای سیاسی جزئی از تقوای اجتماعی است و به

این معنی است که انسان از لغزش گاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز کند.

۳-۲. شاخص‌های سلبی

در تبیین شاخص‌های سلبی به دنبال اصلاح برخی تصورات غلط از انقلابی‌گری هستیم. برخی از این شاخص‌ها عبارت است از:

۳-۲-۱. انقلابی، فقط به عده‌ای که در دوران مبارزه با امام (ره) بودند، اطلاق نمی‌شود

این خطاست که گمان شود انقلابی فقط آن کسی است که در دوران امام (ره) حضور داشته، یا در دوران مبارزات در کنار امام (ره) بوده است. انقلاب برای همه است؛ بنابراین، جوان‌ها هم می‌توانند انقلابی باشند. حتی جوانان می‌توانند با رعایت درست شاخص‌های ایجابی انقلابی بودن، از انقلابیون سابقه‌دار هم انقلابی‌تر شوند.

۳-۲-۲. از همه انقلابیون نباید یک درجه از عمل انقلابی انتظار داشت

هم‌چنین خطاست که ما از همه کسانی که انقلابی هستند، یک نوع عمل انقلابی یا یک درجه از انقلابی‌گری توقع داشته باشیم. انقلابی‌گری درجات مختلف دارد؛ بنابراین، ممکن است افرادی که در مسیر انقلاب و رعایت شاخص‌های آن حرکت می‌کنند، به یک درجه نباشند و دسته‌ای با جدیت و شدت بیشتر و گروهی کند و آرام‌تر حرکت کنند. در نتیجه خطاست که برخی بخواهند افرادی را که خوب یا کامل در این مسیر حرکت نمی‌کنند، متهم به غیرانقلابی یا ضدانقلاب کنند.

۳-۲-۳. انقلابی‌گری به معنای افراطی‌گری نیست

این نیز خطاست که برخی، انقلابیون را افراطی خطاب می‌کنند. بدون شک افرادی که دوگانه تندرو-میان‌رو را مطرح می‌کنند و از این طریق نیروهای انقلاب را به افراطی‌گری متهم می‌کنند، در حقیقت در نقشه دشمن بازی می‌کنند. باید مراقب بود به علت القانات دشمنان، افرادی که از ارزش‌های انقلاب و اصالت‌های نظام دفاع می‌کنند، به خصوص جوانان مؤمن و انقلابی، تندرو خطاب نشوند.

متأسفانه برخی از مسئولان به بهانه و اتهام افراطی‌گری، جوانان مؤمن و انقلابی را طرد و به‌جای

استفاده از آن‌ها در دستگاه‌های مختلف، آغوش خود را برای عناصری که اسلام و انقلاب را قبول ندارند، باز می‌کنند. از این رو دستگاه‌های مختلف دولتی، به خصوص فرهنگی، حتماً باید از جریان‌های خودجوش مؤمن و حزب‌اللهی استفاده کنند و آن‌ها را گرامی بدارند. بیانات رهبر انقلاب به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام‌خمينی (ره) در تاریخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۴).

۴. الگوهای انقلابی گری از نگاه مقام‌معظم‌رهبری

در بیانات مقام‌معظم‌رهبری (مدظله‌العالی) الگوهایی برای رعایت روحیه و عمل انقلابی معرفی شده‌اند. ایشان محوری‌ترین الگوی انقلابی در عصر حاضر را امام‌خمينی (ره) می‌دانند و معتقدند ایشان، امام و پیشوای همه خصوصياتی است که کلمه انقلاب متضمن آن است؛ امام (ره) الگوی کامل انقلابی بودن به شمار می‌رود.

از دیگر الگوهای انقلابی در منظومه فکری مقام‌معظم‌رهبری (مدظله‌العالی)، شهدای بزرگوار انقلاب هستند که برای پابندی به ارزش‌های آن، به‌گونه‌ای ایثار و جهاد کردند که از جان خود هم دریغ نکردند. معظم‌له شهدای متأخر انقلاب را هم برای الگوگیری جوانان معرفی و از آن‌ها قدردانی و حرکت در مسیر آن‌ها را مطالبه می‌کند؛ عزیزانی چون شهدای هسته‌ای، شهید تهرانی مقدم، شهید کاظمی، شهید آوینی و... که ایشان را پیشروان و پیشاهنگ‌های کار انقلابی معرفی می‌کنند.

البته در نگاه ایشان علاوه بر افراد، گروه‌ها، حرکت‌ها و حتی شهرها هم قابل الگوگیری در این رابطه هستند. به عنوان مثال ایشان همیشه شهرهایی چون قم، تبریز، نجف‌آباد، اهواز و... را شهرهایی می‌دانند که علاوه بر خاستگاه انقلابی بودن، جایگاه استمرار و تقویت روزافزون ارزش‌های انقلاب را هم‌چنان دارند (سویلمی مرتضی: ۱۴۰۲).

۵. دیپلماسی انقلابی و مؤلفه‌های آن

انقلاب اسلامی ایران و گفتمان عدالت‌خواهانه و سلطه‌ستیزانه آن، نظم لیبرال موجود را برنتابیده و در ابعاد فرانظری، ساختاری، هنجاری و نهادی، آن را به چالش کشیده است. به گونه‌ای که جمهوری اسلامی در گام اول در بعد تبیینی و تخریبی به واسازی نظم بین‌المللی موجود می‌پردازد.

در بعد تبیینی، از طریق توصیف و تبیین سرشت ناعادلانه وضع موجود و نظام مستقر سعی

می‌کند آن را غیرطبیعی ساخته و از آن مشروعیت زدایی کند. در گام بعدی، جمهوری اسلامی با توجه به اصول انقلاب اسلامی، در صدد پیاده‌سازی الگوی عملی در عرصه جهانی با توجه به ظرفیت‌های خود و کشورهای خواهان تغییر وضع موجود است. وضع و نظم بین‌المللی کنونی که توسط قدرت مدعی هژمونی (آمریکا) پیگیری می‌شود، مبتنی بر هنجارهای لیبرال است. وجود تضاد و تقابل میان ارزش‌ها، معیارها و منافع نظم مذکور با آنچه در گفتمان انقلاب اسلامی تجلی و نمود یافته است، موجب به چالش طلبیده شدن این نظم توسط انقلاب اسلامی شده است، زیرا هویت نظام جمهوری اسلامی با نظام‌های غربی در تعارض است. هویت نظام جمهوری اسلامی را می‌توان با این عناصر تبیین کرد:

۱. نفی نظام‌های وابسته به غرب؛

۲. ایجاد چالش برای نظام دوقطبی؛

۳. ایجاد خیزش جهانی مستضعفان علیه مستکبرین؛

۴. طرح سه عنصر معنویت، اخلاق و عدالت.

لذا جمهوری اسلامی براساس باورهای اسلامی و ایدئولوژیک خود سعی دارد، نظم مسلط را حداقل از منطقه خود خارج و در نهایت آن را در سطح جهانی تضعیف کند. اما ایران برای پیگیری این هدف، باید دیپلماسی خاص خود را به کار بندد. این نوع دیپلماسی، دیپلماسی مبتنی بر ارزش و اصول اسلامی است، که در این نوشتار دیپلماسی انقلابی نام می‌گیرد (همان).

۶. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های دیپلماسی انقلابی از منظر رهبر انقلاب

«من دیپلمات نیستم، انقلابی‌ام. به همین علت صریح، صادقانه و قاطعانه حرف می‌زنم.» این جملات بخش‌هایی از یکی از سخنرانی‌های معروف حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است که مطالب و تحلیل‌های فراوانی درباره آن نوشته شد. پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، رهبر معظم انقلاب در بخشی از پیام خود خطاب به رئیس‌جمهور و مسئولان دولت آینده فرمودند: عزت ملی و رعایت حکمت در ارتباطات جهانی و اهتمام به اقتدار بین‌المللی از جمله اولویت‌های مدیریت انقلابی و اسلامی است.

آیت‌الله خامنه‌ای هم‌چنین ۷ خرداد ۱۳۹۶ در محفل نورانی انس با قرآن کریم با تأیید کامل لزوم برقراری ارتباطات جهانی، افزودند: پیشرفت ارتباطات بین‌المللی هیچ منافاتی با صراحت در بیان مبانی و اصول ندارد.

براساس این بیانات و سایر توصیه‌هایی که رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر در زمینه سیاست خارجی داشته‌اند می‌توان برخی اصول اساسی را که باید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبنای کار باشد استخراج کرد؛ اصولی چون عزت، حکمت، مصلحت و هم‌چنین صراحت و قاطعیت در بیان مواضع.

۱-۶. حفظ جهت‌گیری اسلامی و انقلابی

اگر ما برای جامعه انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است. برای خیلی‌ها که بین انقلابی‌گری و برخورد منطقی منافات می‌بینند، عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده می‌کنیم که این‌ها می‌تواند با هم جمع شود. انقلابی‌گری به این نیست که ما آن‌جایی که نباید پرخاش کنیم، بی‌خودی پرخاش کنیم. انقلابی‌گری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرت‌ها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، درحقیقت به معنای انقلابی و اسلامی توجه کرده‌ایم (بیانات در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه ۱۳۶۸/۵/۳۱).

۲-۶. پایبندی به فکر و اعتقاد الهی

هرچه بر پایبندی به اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تأکید بورزید، موفق‌تر خواهید بود. به خصوص سفرای ما در نمایندگی‌های خارجی، بر حفظ صددرصد تقیدات و ظواهر اسلامی نسبت به خود و خانواده‌ها و همکارانشان مراقبت کنند و این مسئله را در گزینش‌ها رعایت نمایند. به هیچ وجه در این مسئله انعطاف و نرمش نشان ندهید که قوام شخصیت شما و شخصیت دیپلماسی ما، به این است.

جایی که ما پایبندی و اعتقاد دینی قوی نشان دهیم، دشمن در ما چیزی از قدرت را احساس خواهد کرد که چون او را درست نمی‌شناسد، ابهت آن در دلش جای خواهد گرفت. چنین

اعتقاد و اقتداری ابهت است؛ و الا این اقتدارهای معمولی و ظاهری چون پول و ثروت و علم و تسلیحات و ... - قابل فهم و تشخیص است و خیلی‌ها هم بیشتر از ما از آن برخوردارند. چیزی که در ما استثنایی است و توجه دنیا و احترام دیگران را جلب می‌کند، همین پابندی ما به یک فکر و اعتقاد الهی است که آن را نشان می‌دهیم. در راه آن، هیچ‌گونه رودربایستی و گذشت و انعطاف و معامله، وجود ندارد. این اعتقاد و پابندی را هرچه ممکن است حفظ کنید و این کار، با ظواهر و امانت اسلامی و پابندی‌های شدید اسلامی تأمین خواهد شد و لاغیر (بیانات در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه ۱۳۳۸/۵/۳۱).

۳-۶. استقرار ایده مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری

ما همان هدفی را که از اول انقلاب تا امروز در امر سیاست‌خارجی دنبال کرده‌ایم، الان هم دنبال همان هدفیم. البته ظرفیت‌های دیپلماسی ما به‌طور طبیعی تقویت می‌شود؛ تجربه، پختگی، کارآزمودگی بیشتر می‌شود؛ راه‌های نو و اهداف تاکتیکی نو پیدا می‌کنیم و براساس آن، ابزارهایی را یا پیدا می‌کنیم یا خلق می‌کنیم و عمل می‌کنیم؛ در این تردیدی نیست؛ ایستایی وجود ندارد. اصول سیاست‌خارجی ما از اصول انقلاب ما جدا نیست. ما کار کوچکی که نکردیم؛ ما حادثه و پدیده جدید و عظیم و عمیق و ماندگاری را به وجود آورده‌ایم که انقلاب اسلامی و ایجاد نظام جمهوری اسلامی است. ما چه در اول انقلاب اصول سیاست‌خارجی خودمان را تدوین کرده باشیم و چه نکرده باشیم، نفس ایجاد این حرکت و پدیده جدید، در بطن خود تکلیف ما را در مسائل سیاست‌خارجی روشن کرده است. ما هم‌چنان که نظام سلطه را در درون کشورمان با انقلاب به هم زدیم، نظام ارباب - رعیتی سیاسی و اجتماعی را به هم زدیم، دید ما در مسائل جهانی هم همین است؛ ما با نظام ارباب - رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست‌خارجی ما این است که ما این ایده مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست‌بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم. امروز یک‌جانبه‌گرایی و انحصار ابرقدرتی آمریکا مطرح و تکرار می‌شود که البته موضوع کاملاً منفی است؛ اما اگر یک‌جانبه‌گرایی نباشد و ابرقدرتی هم منحصر به آمریکا نباشد - مثل آن روزی که آمریکا و شوروی ابرقدرت بودند - باز هم با نظام سلطه مخالفیم. ما آن روز هم مخالف بودیم، امروز هم مخالفیم؛ این سیاست جمهوری اسلامی است. ما این فکر را در دنیا ترویج و منعکس

می‌کنیم و براساس آن کار می‌کنیم؛ این اساس سیاست ماست (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۸۳/۵/۲۵).

۴-۶. دفاع از مظلوم و مخالفت با استعمار و استثمار

در مقدمه قانون اساسی ما دفاع از مسلمانان و محرومان به صراحت ذکر شده است؛ ما دفاع از مسلمان‌ها و دفاع از ملت مظلوم را جزو سیاست‌های اصولی خودمان می‌دانیم و از آن عدول نمی‌کنیم. استحکام و عمق فکر دفاع از یک ملت مظلوم در سیاست ما به مراتب بیشتر از عمق سیاست دفاع از صهیونیسم در مجموعه سیاسی دولتی مثل آمریکا است. آن‌ها جزو اصول سیاسی‌شان - البته با تفاوت‌هایی - دفاع از دولت، حکومت و اشغال صهیونیستی است؛ از این دست بردار هم نیستند؛ لکن این بر هیچ مبنای فکری و عقیدتی در کاوش نهایی استوار نیست؛ ولی دفاع از ملت مظلوم فلسطین یا دفاع از هر ملت مظلوم دیگر یا مخالفت با اشغالگری و تسلط نظامی، بیش از این در سیاست و در برنامه عملی ما عمق دارد. ما طرفدار اسلام و طرفدار مسلمان‌ها و طرفدار بیداری اسلامی هستیم و با تغذیه قدرت‌های استثمارگر از منابع غنی ملت‌های مظلوم مخالفیم؛ با استعمار و با استثمار مخالفیم و این مخالفت در زبان و حرف هم نیست؛ اعتقاد ما این است و قالب سیاست خارجی ما هم همین است و این - همین‌طور که گفتیم - براساس تفکر جمهوری اسلامی است (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۸۳/۵/۲۵).

۵-۶. اعلام مواضع اسلامی

پشتوانه شما اسلام است؛ این را بدانید. بعضی می‌گویند ما می‌خواهیم اسلام را حفظ کنیم؛ نه، اسلام ما را حفظ می‌کند. پشتوانه شما همین ایمان و همین نهضت جهانی اسلام است. نهضت جهانی اسلام یک شخص نیست که ترورش کنند، یک سازمان نیست که منحلش کنند، یک دولت نیست که منزوی‌اش کنند، بلکه یک پدیده فرهنگی و توده‌ای و عمومی است. ما باید هوایش را داشته باشیم و باید مراقب باشیم. نفس اعلام مواضع اسلامی در دنیای اسلام، اعتبار ما را افزایش می‌دهد و برای ما امتیاز است و نشان‌دهنده عمق استراتژیک ما و کمک‌کننده به ماست. از این مبانی هیچ وقت کوتاه نیایید؛ در اظهارات هم هیچ وقت کوتاه نیایید. در سیاست خارجی هدف، ابزار تاکتیکی و ملاحظات سیاسی در جاهایی قابل قبول است؛ اما

وارونه جلوه دادن اهداف اساسی به هیچ وجه قابل قبول نیست؛ اهداف اساسی ما را باید همه به طور مشخص بدانند. یک وقت انسان لازم است آن را با صدای بلند اعلام کند، یک وقت و در موقعیتی با صدای بلند اعلام نمی‌کند؛ اما آن را انکار هم نباید بکند؛ باید همه بدانند که ما در این جهت و در این خط هستیم (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۸۳/۵/۲۵).

۶-۶. هوشمندی و ابتکار عمل برآمده از روحیه بسیجی

عرصه عظیم دیپلماسی با انواع شیطنتها همراه است. عرصه دیپلماسی، عرصه شیطنت است؛ می‌بینید دیگر. البته خدا را شکر که دشمنان ما را از کسانی قرار داده که نمی‌فهمند چه کار باید بکنند؛ می‌کنند، می‌غلط می‌کنند، اشتباه می‌کنند، می‌پای‌شان توی چاله می‌رود؛ عبرت هم نمی‌گیرند، دوباره همان را تکرار می‌کنند؛ مثل همین حرف‌هایی که در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان می‌گویند و انجام می‌دهند. عرصه دیپلماسی، یک چنین عرصه‌ای است؛ هوشمندی لازم است، ابتکار عمل لازم است، نوع برخورد مبتکرانه لازم است؛ این‌ها ناشی از همین روحیه انقلابی است که ما از آن تعبیر می‌کنیم به روحیه بسیجی، روحیه جوان، مبتکر، پیشرو، دارای اعتماد به نفس (بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲).

۶-۷. پابندی به مبانی ارزشی

این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پابند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب می‌مانیم؛ ابداً... ما تجربه کردیم، دیدیم هرچه پابندی ما بیشتر باشد، هیبت جمهوری اسلامی در چشم طرف مقابل بیشتر خواهد شد؛ احترام جمهوری اسلامی در نظر طرف مقابل بیشتر خواهد شد. یک دوره‌ای بعضی از مسئولین خیال می‌کردند که اگر چنانچه در ملاقات‌های بین‌المللی خودشان حرف‌های آن‌ها را برایشان تکرار کنند، خوب است و همین کار را هم می‌کردند؛ می‌نشستند همان حرف‌های را که آن‌ها صدسال است دارند می‌زنند، برای آن‌ها دوباره تکرار می‌کردند. این، شما را پیش او سبک می‌کند؛ این نشان می‌دهد که شما از خودتان هیچ چیزی ندارید؛ در حالی که وقتی شما خودتان حرف دارید، خودتان مبنا دارید، بر روی مبنای خودتان می‌ایستید، بر روی تحلیل خودتان از حوادث و ترسیم آینده می‌ایستید و بعد با قدرت حوادث را مدیریت می‌کنید، این شما را در چشم طرف

مقابلتان تقویت می‌کند؛ و تقویت در چشم طرف مقابل، یکی از ابزارها و راه‌های پیروزی است. این را توجه دارید که پیروزی بر سر میز مذاکره و استدلال طرف مقابل را از او گرفتن و استدلال خود را بر ذهن او تحمیل کردن، مهم‌ترین پایه پیروزی‌ها در صحنه عمل است. یک مذاکره‌کننده قوی آن کسی است که می‌تواند مبانی فکری خودش را بر مبانی فکری طرف مقابل مذاکره‌کننده تغلیب کند، غلبه بدهد. البته این کار با های‌وهو نمی‌شود؛ این با هوشمندی، ظرافت، استحکام عقلانی و اعتمادبه‌نفس امکان‌پذیر است؛ این هم با توکل به خدای متعال، با انس بیشتر با قرآن، با انس بیشتر با ادعیه به دست می‌آید (بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور ۱۳۹۰/۱۰/۰۷).

۷. الزامات دیپلماسی موفق از نگاه رهبر انقلاب

۷-۱. تعیین دقیق و صریح هدف‌ها

تعیین دقیق و صریح هدف‌ها از شروط و لوازم یک دیپلماسی موفق است. برخی اهداف آرمان‌های بزرگ و ملی هستند، برخی راهبردی و منطقه‌ای به شمار می‌روند و بعضی دیگر مقطعی و موضعی هستند که این اهداف در همه سطوح باید دقیقاً مشخص باشد تا همه عناصر فعال در دیپلماسی در ستاد و صف، وظایف خود را به خوبی بدانند (۱۳۹۳/۰۵/۲۲).

۷-۲. سازمان‌دهی مناسب با توجه به اهداف دیپلماسی

شرط دوم دیپلماسی موفق «سازمان‌دهی مناسب» است. این سازمان‌دهی باید با نگاه به اهداف و با توجه به قابلیت‌ها انجام شود (۱۳۹۳/۰۵/۲۲).

۷-۳. برخورداری از صلاحیت‌های دیپلماتیک

شرط دیگر یک دیپلماسی موفق برخورداری از عناصر با صلاحیت است. «هوش و مهارت دیپلماتیک»، «انعطاف در جای لازم»، «نفوذناپذیری در مواقع ضروری»، و «پایبندی صادقانه و عمیق به اهداف» از عناصر «صلاحیت‌های دیپلماتیک» است (۱۳۹۳/۰۵/۲۲).

۷-۴. هوش دیپلماتیک

هوش دیپلماتیک انسان را قادر می‌سازد اهداف و حرکات طرف‌های مقابل را در مذاکرات و تعاملات پیش‌بینی کند و حرکات خود را با توجه به آن‌ها، برنامه‌ریزی و عملیاتی سازد

(۱۳۹۳/۰۵/۲۲).

۷-۵. مهارت دیپلماتیک

معنای «مهارت دیپلماتیک» استفاده به موقع و به جا از انعطاف و اقتدار است. معنای دیگر این ویژگی نرمش قهرمانانه است که صلح امام حسن مجتبی علیه السلام پرشکوه‌ترین نمونه تاریخی آن به شمار می‌رود. نرمش قهرمانانه برخلاف برخی تفاسیر، معنای واضحی دارد که نمونه آن در مسابقه کشتی نمایان است در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است اگر کسی قدرت داشته باشد اما انعطاف لازم را در جای خود به کار نگیرد قطعاً شکست می‌خورد، اما اگر انعطاف و قدرت را به موقع مورد استفاده قرار دهد پشت حریف را به خاک می‌نشانند (۱۳۹۳/۰۵/۲۲).

بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال‌ها پیش اسم‌گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یک جاهایی به دلیل فنی نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار می‌کنند، بدانند که با چه کسی مواجه‌اند، با چه کسی طرف‌اند، آماج حمله طرف آن‌ها کجای مسئله است؛ این را توجه داشته باشند (۱۳۹۲/۰۶/۲۶).

اگر مهارت دیپلماتیک به کار گرفته شود، بسیاری از تهدیدها می‌تواند به فرصت‌ها تبدیل شود. نه فقط تهدید، تحقق پیدا نکند، بلکه حتی همان چیزی که نقطه اساسی تهدید محسوب می‌شود، درست صد و هشتاد درجه عکس، به نقطه فرصت تبدیل شود (۱۳۷۹/۰۵/۲۵).

۷-۶. پایبندی عمیق و صادقانه به آرمان‌ها و اهداف

اگر کسی بدون ایمان و باور عمیق به اهداف، در عرصه دیپلماسی فعال باشد قطعاً نمی‌تواند موفق شود. عرصه دیپلماسی مانند میدان جنگ است. واقعیت این است که میدان دیپلماسی عرصه پنجه انداختن است و اگر کسی بدون اعتقاد راسخ به هدف، به این کار اقدام کند یا در همان موقعیت و یا در نهایت شکست خواهد خورد (۱۳۹۳/۰۵/۲۲).

هرچه بر پایبندی به اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تأکید بورزید، موفق‌تر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی ما که دنیا، و حتی مخالفان ما، بدان اذعان دارند، در درجه اول مدیون

تقید و پابندی شما دست‌اندرکاران است. این را حفظ کنید (۱۳۶۸/۰۵/۳۱).

حرکت ما در جبهه ظریف خطیر بسیار مؤثر دیپلماسی باید حرکتی باشد با این دید و با این نگاه و با توجه به این آرمان‌ها. این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پایند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب می‌مانیم؛ ابدأً. در این دوره‌های مختلف، بوده‌اند کسانی در عرصه دولتی خودمان، در بخش‌هایی از دیپلماسی و غیردیپلماسی و حتی در بخش‌هایی از روحانیت خودمان، که در این مسائل تردید پیدا کردند که حالا پابندی‌های ارزشی ما چقدر اجازه می‌دهد که ما در زمینه دیپلماسی موفق باشیم. نه، ما تجربه کردیم، دیدیم هرچه پابندی ما بیشتر باشد، هیبت جمهوری اسلامی در چشم طرف مقابل بیشتر خواهد شد؛ احترام جمهوری اسلامی در نظر طرف مقابل بیشتر خواهد شد (۱۳۹۰/۱۰/۰۷).

۷-۷. تحرک بالا

تحرک فراوان و بی‌وقفه شرط دیگر دیپلماسی موفق است. تحرک بالا لازمه لاینفک دیپلماسی است و باید مورد توجه جدی قرار داشته باشد (۱۳۹۳/۰۵/۲۲). ما هرچه در زمینه دیپلماسی تحرکمان بیشتر باشد، بهتر است. این سفرهای خارجی، ملاقات‌های خوب و گفت‌وگوهای تلفنی، همه‌اش کارهای لازم امروز ماست؛ هرچه حجم و کیفیت این‌ها را بالا ببرید، بهتر است. مسئله دیپلماسی مهم است (۱۳۸۵/۰۶/۰۶).

۷-۸. اتکا به نیروی درون‌زا

ما از تحرک دیپلماسی هم حمایت می‌کنیم. وقتی می‌گوییم از درون بایستی کارها اصلاح شود، معنایش این نیست که چشممان را ببندیم، تحرک دیپلماسی نداشته باشیم، با دنیا کار نکنیم؛ چرا، تحرک دیپلماسی، حضور دیپلماسی کار بسیار لازمی است - مسئولانی که این کارها را می‌کنند، بخشی از کارهایند - لکن تکیه بایست بر روی مسائل داخلی باشد. در عرصه دیپلماسی هم آن کشوری موفق است که متکی باشد به نیروی درون‌زا؛ آن دولتی می‌تواند در پشت میز مذاکره دیپلماسی حرف خودش را سبز بکند و به مقصود و نتایج موردنظر خودش دست پیدا بکند که متکی باشد به یک اقتدار درونی، توانایی‌های درونی؛ از یک چنین دولتی حساب می‌برند (۱۳۹۲/۰۸/۱۲).

نظام جمهوری اسلامی اتکالش به خداست - دستگاه دیپلماسی ما، فعالیت‌های گوناگون

دولت‌های مادر دنیا در محدوده ارتباطات بین‌المللی و فعالیت‌های متعارف سیاسی طبق ارزیابی‌های خود آن‌ها، جزو کشورهای فعال به حساب می‌آید و فعالیت‌های ما موفق به حساب می‌آید- در عین حال به هیچ قدرتی، به هیچ دوستی اتکال و اتکاء نمی‌کنیم. اتکای ما به نیروی درونی خود ماست که همان ارتباط با خداست، اتکال به خداست؛ متمرکز کردن موهبت‌های الهی است در وجود انسان‌ها، تا بتوان کارایی آن‌ها را چند برابر کرد؛ این کاری است که امروز بر عهده نظام جمهوری اسلامی است (۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

۹-۷. برخورداری از روحیه بسیجی

در عرصه دیپلماسی هوشمندی لازم است، ابتکار عمل لازم است، نوع برخورد مبتکرانه لازم است؛ این‌ها ناشی از همین روحیه انقلابی است که ما از آن تعبیر می‌کنیم به روحیه بسیجی، روحیه جوان، مبتکر، پیشرو، دارای اعتماد به نفس. دستگاه دیپلماسی هم می‌تواند روحیه بسیجی داشته باشد. اگر این شد، پیروزی حتمی و سریع خواهد شد.

الزامات دیپلماسی موفق از نگاه رهبر انقلاب	
تعیین دقیق و صریح هدفها	اهداف هر هم‌ه‌ی، سلوچ باید دقیقاً مشخص باشد تا هم‌ه‌ی عناصر فعال در دیپلماسی هر ستاد و صنف، وظایف خود را به‌خوبی بدانند. ۱۳۹۲/۰۵/۲۲
سازماندهی مناسب با توجه به اهداف دیپلماسی	سازماندهی باید با نگاه به اهداف و با توجه به قابلیت‌ها انجام شود. ۱۳۹۲/۰۵/۲۲
روش دیپلماتیک	این ویژگی انسان را قادر می‌سازد اهداف و حرکات طرف‌های مقابل را در مذاکرات و تعاملات پیش‌بینی کند و حرکات خود را با توجه به آن‌ها، برنامه‌ریزی و عملیاتی سازد. ۱۳۹۳/۰۵/۲۲
بهرت دیپلماتیک	اگر مهارت دیپلماتیک به کار گرفته شود، بسیاری از تهدیدها می‌تواند به فرصتها تبدیل گردد. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵
پایبندی عمیق و صادقانه به آرمان‌ها و اهداف	هرچه بر پایداری به اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تأکید بوزید، موفقتر خواهید بود. ۱۳۶۸/۰۵/۲۱
تحرک بالا	ما هر چه در زمینه دیپلماسی تحرکمان بیشتر باشد، بهتر است... هر چه حجم و کیفیت این تحرکات را بالا ببرید، بهتر است. ۱۳۸۵/۰۶/۰۶
اتکا به نیروی درونزا	آن دولتی می‌تواند در پشت میز مذاکره دیپلماسی حرف خودش را سبز بکند و به منضمود و نتایج مورد نظر خودش دست پیدا بکند که متکی باشد به یک اقتدار درونی- تواناییهای درونی حساب ببرند از یک چنین دولتی. ۱۳۹۲/۰۸/۱۲
برخورداری از روحیه بسیجی	دستگاه دیپلماسی هم می‌تواند روحیه بسیجی داشته باشد. اگر این شد، پیروزی حتمی و سریع خواهد شد. ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

الزامات دیپلماسی موفق از نگاه رهبر انقلاب

۸. چالش‌های عملی در صورت عدول از تجربهٔ برجام و دیپلماسی انقلابی در پسابرجام

رهبر انقلاب در مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۹، با تحلیل اقدامات رئیس‌جمهور آمریکا و مقامات اروپایی، مطالبهٔ خود را از انجام گفت‌وگو با سه کشور اروپایی بیان کردند. در بخشی از متن چنین می‌خوانیم: منظور رهبر انقلاب از تداوم کار با اروپائیان، نه به معنای شروع دوبارهٔ مذاکرات (به معنای بده‌بستان، و دادوستد) دربارهٔ موضوع هسته‌ای برای پذیرش شروط جدید، یا مذاکره بر سر مسائل مهم‌تری چون مباحث منطقه‌ای و توان موشکی ایران است، بلکه صرفاً برای گرفتن «تضمین‌های واقعی و عملی» در جهت کسب منافع ملی ایران است.

هم‌چنین رهبر انقلاب با بیان اینکه به اروپایی‌ها هم نمی‌توان اعتماد کرد فرمودند: «گفته می‌شود که برجام را می‌خواهیم با این سه کشور اروپایی ادامه بدهیم؛ من به این سه کشور هم اعتماد ندارم. من می‌گویم به این‌ها هم اعتماد نکنید؛ [اگر] می‌خواهید قرارداد بگذارید، تضمین به دست بیاورید - تضمین واقعی، تضمین عملی.»

آمریکا با ما دشمن است؛ این دشمنی هم با شخص این حقیر یا با شخص سردمداران نظام نیست، با مجموعهٔ نظام اسلامی است که امروز ملت ایران، این نظام را پذیرفته و در راه او دارد حرکت می‌کند؛ این دشمنی یک چنین دشمنی است. مخصوص این شخص هم نیست؛ دولت آمریکا و نظام آمریکایی، از آغاز پیدایش جمهوری اسلامی با او دشمن بود و بد بود و در صدد براندازی بود. حتی دولت قبل - دولت اوباما - که هم در نامه به بنده، هم در اظهارات می‌گفتند که ما در صدد براندازی نیستیم، دروغ می‌گفتند؛ آن‌ها هم در صدد براندازی بودند؛ براندازی نظام جمهوری اسلامی؛ مسئلهٔ برجام و این حرف‌ها بهانه است؛ مسئلهٔ موشک را مطرح می‌کنند. شما اگر فردا اعلام کنید که ما دیگر موشک درست نمی‌کنیم یا بیشتر از فلان مقدار برد، موشک تولید نمی‌کنیم، این قضیه هم تمام خواهد شد اما یک قضیهٔ دیگر درست خواهد شد، یک موضوع دیگر را مطرح می‌کنند. دعوا، دعوی بنیادی است؛ با نظام جمهوری اسلامی مخالفند (بیانات در دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۰۲/۱۹).

اولاً اروپایی‌ها باید در برابر اقدام‌های عملی آمریکا بایستند. با همین تحریم‌ها یا همین کارهایی که حالا این‌ها انتظار دارند که از کنگره‌شان بیرون بیاید باید اروپایی‌ها بایستند در مقابل او؛ فرانسه، آلمان. حالا از انگلیس که خیلی انتظاری هم نیست! باید بایستند؛ اینکه بگویند ما مخالفیم، کافی نیست.

ملت ایران به خاطر نیازهای صلح‌آمیز کشور، به دنبال فعالیت هسته‌ای بوده و است. ما تا چند سال دیگر احتیاج داریم به حداقل بیست هزار مگاوات نیروی برقی که از امکانات هسته‌ای و از نیروی هسته‌ای استفاده شود و به دست بیاید. غیر از آن مقداری از انرژی که از دستگاه‌های غیرهسته‌ای

به دست می آید، آن طوری که متخصصین ما و صاحب نظران ما محاسبه کردند، بیست هزار مگاوات از راه امکانات اتمی بایستی به دست بیاید؛ [لذا] نظام جمهوری اسلامی دنبال اقدام علمی و عملی در این راه حرکت کرد؛ یک کار مشروع، یک کار صحیح، یک کار بی ضرر و بی خطر که هیچ ضرری، هیچ خطری برای هیچ ملتی و هیچ کشوری نداشت. رژیم ایالات متحده آمریکا که از پیشرفت علمی این ملت و همه ملت های دیگر نگران است و مایل به پیشرفت علمی نیست و اجازه نمی دهد ملت ها پیشرفت کنند سچه از لحاظ علمی، چه از لحاظ عملی، چه از لحاظ اقتصادی - در مقابل این حرکت مشروع و صحیح جمهوری اسلامی، تحریم های ظالمانه ای را تحمیل کرد. مسئولین کشور به این نتیجه رسیدند که مذاکره کنند و از بخشی از این حق خود صرف نظر کنند، برای اینکه تحریم ها برداشته شود این کار را کردند. امروز علی رغم همه قرارها، همه تعهدها، همه بحث های فراوانی که انجام گرفته است، برخورد رژیم ایالات متحده آمریکا با این مذاکرات و با نتیجه مذاکرات، یک برخورد کاملاً ظالمانه، کاملاً قلدرمانانه و کاملاً زورگویانه است. در مقابل این حرکت خصمانه دشمن، ملت ایران باید چه کار کند؟ مسئولین باید چه کار کنند؟ مسئولین باید به سردمداران رژیم فاسد ایالات متحده آمریکا اثبات کنند که به مردم خودشان متکی اند و این مردم، یک ملت مقتدر را تشکیل داده اند؛ باید اثبات کنند که ملت ایران به برکت اسلام، زیر بار زور نمی رود، در مقابل قدرت ها گرنش نمی کند؛ این را باید اثبات کنند، باید نشان بدهند. آمریکایی ها باید بدانند ملت ایران بر مواضع شرافتمندانه و قدرتمندانه خود خواهد ایستاد. در کار مسائل مهمی که به منافع ملی کشور ارتباط دارد، عقب نشینی در قاموس جمهوری اسلامی ایران معنی ندارد. ما حرکتمان را قدرتمندانه ادامه خواهیم داد. دشمن باید این را احساس کند و بداند که زورگویی و قلدرمآبی، هر جای دیگر جواب بدهد، در جمهوری اسلامی ایران جواب نخواهد داد. جمهوری اسلامی ایران، راست قامت و مقتدر ایستاده است و چون الهام بخش ملت های دیگر است، بیشتر آماج دشمنی این ها است. مسئولین فاسد و مفسد و دروغ گو و فریب کار ایالات متحده آمریکا خجالت نمی کشند، وقیحانه می ایستند و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران را به دروغ گویی متهم می کنند. ملت ایران صادقانه حرکت کرد، صادقانه عمل کرد، صادقانه پیشرفت کرد، راه خدا را صادقانه انتخاب کرد و این راه را صادقانه تا آخر به توفیق الهی خواهد پیمود. دروغ گو شما هستید؛ دروغ گو سردمداران نظام سلطه اند؛ دروغ گو آن کسانی هستند که برای هیچ ملتی نمی توانند خوشبختی و سعادت را ببینند و منافع نامشروع خود را به هر قیمتی علی رغم منافع ملت ها مایل اند تأمین کنند؛ آن ها هستند که فریب گزند و دروغ گو هستند. ملت ایران

محکم ایستاده است، این را بدانند؛ در قضیهٔ برجام، هر حرکت غلط نظام سلطه با عکس‌العمل جمهوری اسلامی روبه‌رو و مواجه خواهد شد (بیانات در مراسم دانش‌آموختگان دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی ۱۳۹۶/۰۶/۲۶).

در مورد برجام، نکته مهم این است که اولاً بدحسابی‌های طرف غربی را -یعنی به خصوص آمریکا را- به حساب بیاوریم؛ مطلقاً در صدد این نباشیم که بدحسابی طرف مقابل را و بدقلقی طرف مقابل را و خیانت طرف مقابل را یک‌جوری توجیه کنیم؛ این دارد بدحسابی می‌کند -الان مشخص است، آمریکایی‌ها دارند بدحسابی می‌کنند- این بدحسابی را به حساب بیاوریم، به این توجه کنیم و [ثانیاً] تجربه بیاموزیم؛ این که حالا ممکن است که فرض کنید این دولت یا یک دولت دیگری در آمریکا یا در فلان کشور یک وعده‌ای به ما بدهد و یک حرفی بزند، به این وعده و مانند این‌ها هیچ نمی‌شود اعتماد کرد؛ مطلقاً (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت ۱۳۹۵/۰۶/۰۳).

ما مذاکره را شروع کردیم برای این که تحریم‌ها برداشته شود و شما ملاحظه می‌کنید که بسیاری از تحریم‌ها برداشته نشده، حالا هم دارند تهدید می‌کنند که تحریم‌های چین و چنان را بر ایران تحمیل خواهیم کرد؛ همان تحریم‌های ثانویه‌ای را که با مصوبهٔ برجام و با قطعنامهٔ شورای امنیت سازمان ملل برداشته شد، همان‌ها را دوباره می‌خواهند این‌ها برگردانند- هدف، این بود؟ یا گفته می‌شود مثلاً بین اروپا و آمریکا شکاف به وجود آمد؛ خوب بله، ممکن است یک شکاف ظاهری کم‌اهمیتی هم بینشان [به وجود آمده]، لکن ما برای این مذاکره نکردیم. ما مگر مذاکره کردیم که بین آمریکا و اروپا شکرآب به وجود بیاید؟ ما مذاکره کردیم که تحریم برطرف شود؛ شروع مذاکره برای این بود، ادامهٔ مذاکره برای این بود؛ و این باید تأمین شود؛ اگر این تأمین نشد، بقیهٔ چیزهایی که حاصل شده، ارزش زیادی را نخواهد داشت. و عرض کردم که [اروپایی‌ها] مخالفت هم نمی‌کنند؛ اروپایی‌ها دنبال آمریکا حرکت می‌کنند، به همدیگر کمک هم می‌کنند: وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنَّ يُوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا؛ (۱۷) این‌ها به هم کمک هم می‌کنند، به یکدیگر پیام هم می‌دهند، کمک هم می‌کنند، یکدیگر را تقویت روحی هم می‌کنند. خوب، این‌ها چیزهایی است که ما به عنوان تجربهٔ برجام باید در نظر داشته باشیم». (۱۳۹۷/۰۳/۰۲)

بیست و هفتم مهرماه ۹۴، زمانی که قرار بود رهبر انقلاب توافق موسوم به برجام را تأیید کنند، با فهم درست از تجربه‌ای که از بدعهدی مقامات آمریکایی داشتند، در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور، شروطی برای آن تعیین کردند. در آن نامه رهبر انقلاب تصریح کرده بودند که متن برجام دچار نقاط

ابهام و ضعف‌های ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه‌به‌لحظه، می‌تواند به «خسارت‌های» بزرگی برای حال و آینده کشور منتهی شود و بنابراین، برای صیانت از آن لازم است که از آمریکایی‌ها «تضمین قوی» گرفته شود. یکی از آن‌ها «تضمین مکتوب از رییس‌جمهور آمریکا در خصوص لغو تحریم‌ها بود». اما متأسفانه آن تضمین گرفته نشد و راه برای نقض‌های مکرر برجام و ماندن تحریم‌ها بازماند.

زمنه‌تداوم برجام بدون آمریکا توسط برخی مسئولین و رسانه‌ها مطرح شده است، رهبر انقلاب اگرچه مانع آن نشدند، اما با توجه به تجربه گذشته، هفت شرط را برای ادامه برجام با اروپا، به‌منظور راه صیانت و حفاظت از منافع ملی مطرح کردند. بر این اساس، سه کشور اروپایی باید به‌طور واقعی تضمین بدهند:

۱. «سکوت خود در برابر نقض برجام توسط آمریکا را جبران کنند». (۱۳۹۷/۰۳/۰۲) زیرا آنچه در گذشته دیده شد این بود که این سکوت مانع از آن شد که حتی توافقات روی کاغذ اجرایی شود و شرکت‌های خارجی به دلیل آنچه ترس از ناپایدار بودن برجام اعلام می‌کردند حاضر به سرمایه‌گذاری در ایران نبودند. اگر اروپاییان آن روز در مقابل آمریکا می‌ایستادند آمریکا احتمال این‌که از اقدامات خصمانه خود به ناچار دست بردارد زیاد بود. هنوز از خاطرها نرفته است که اوپاما بعد از برجام اعلام کرد اگر این قرارداد امضا نمی‌شد اروپا دیگر حاضر به همراهی در تحریم‌ها نمی‌شد.

۲. «قطعنامه‌ای علیه آمریکا در شورای امنیت ببرند که آمریکا ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ است». (۱۳۹۷/۰۳/۰۲) طبق قطعنامه ۲۲۳۱ که با امضای برجام در سازمان ملل تصویب شد قرار بود که هر شش قطعنامه قبلی که علیه ایران صادر شده و به تحریم‌های وسیع در رابطه با موضوع هسته‌ای علیه این کشور منجر شده بود را ملغی کند اما در عمل، هم اوپاما و هم ترامپ در موارد مختلف این قطعنامه را شکستند. بعد از صحبت‌های پمپئو، وزیر خارجه آمریکا در بنیاد هریتیج در خصوص لزوم وضع تحریم‌های جدید درباره ایران، اهمیت این تدبیر رهبر انقلاب بیشتر خود را نشان می‌دهد. در حوزه بین‌المللی نیز این کار باعث می‌شود آمریکا در مقابل جامعه جهانی قرار گیرد.

۳. «بحث موشکی و حضور جمهوری اسلامی در منطقه را مطرح نکنند». (۱۳۹۷/۰۳/۰۲) ترزا مرکل و مکرون در سخنرانی‌های مختلف درباره این دو موضوع صحبت کرده‌اند. همین موضوع را هم پمپئو و ترامپ مطرح کرده‌اند. اروپا در مذاکره با ایران برای حفظ برجام باید بداند از جایگاه وکیل آمریکا نباید وارد مذاکره شود.

۴، ۵، ۶ و ۷. «با هرگونه تحریمی علیه جمهوری اسلامی مقابله کنند.» «نفت ایران به قدری که جمهوری اسلامی می‌خواهد به فروش برسد.» «بانک‌های اروپایی انتقال وجوه مربوط به تجارت با جمهوری اسلامی را انجام دهند.» «اگر در پاسخ‌گویی به این مطالبات تعلل کردند، حق ما برای آغازکردن فعالیت‌های تعطیل شده‌ی هسته‌ای محفوظ است.» (۱۳۹۷/۰۳/۰۲)

در طی سال‌های اخیر به بهانه‌هایی چون تحریم سوئیفت، بانک‌های ایرانی، بانک مرکزی و جریمه‌های مالی دولت ایالات متحده، بانک‌های اروپایی از ارائه خدمات به دولت و تجار ایرانی ممانعت می‌کردند که همین سبب عدم ورود جریان پول حاصل از تجارت با ایران می‌شد و اثرات اقتصادی متعددی چون رشد پایه پولی، کاهش قدرت خرید و کاهش ارزش پول ملی، ضعف تأمین سرمایه مالی و... را در پی داشت، لذا بانک‌های اروپایی باید تجارت با جمهوری اسلامی را تضمین کنند و به بهانه‌هایی چون تحریم‌های آمریکا و... منافع تجاری ایران را دست‌خوش بازی آمریکایی‌ها قرار ندهند.

واضح است که جمهوری اسلامی با هدف لغو تحریم‌ها برجام را امضا کرد. قرار نبود و نیست که برجام وسیله فشاری بر ملت و دولت شود و با آن اقتصاد را معلق و دولت را در برزخ قرار دهند. این ۷ تضمین با حفظ حق هسته‌ای و منافع ملی در مقابل تحرکات آن دست چدنی است که از دستکش مخملی درآمده است و رسماً اعلام مبارزه برای براندازی می‌کند.

۸-۱. موازنه استراتژیک تهدید در منطقه

در منطقه حساس غرب آسیا و شمال آفریقا، ایران، ترکیه و عربستان سعودی، سه قدرت منطقه‌ای هستند که برای بسط نفوذ خود با یکدیگر رقابت می‌کنند. در نبرد علیه اسرائیل، ایران براساس اصول اسلام ناب جانب مظلوم را می‌گیرد و این همان نقطه عطف دیپلماسی انقلابی است، زیرا در قواعد دیپلماسی جهانی، هژمون و متحدان آن در پی منافع خود هستند و مظلوم و ظالم برای آنان فرقی ندارد. لذا در بحران سوریه، ایران به دنبال حفظ جریان مقاومت علیه اسرائیل است. ایران به عنوان کشوری انقلابی که با نظم موجود بین‌المللی مخالف است و در پی به چالش کشیدن هژمونی آمریکا و ترکیه و عربستان که در پی موازنه راهبردی با ایران هستند، دو قطب منطقه‌ای بحران سوریه هستند.

بحران‌های منطقه‌ای دارای آثار و پیامدهای بین‌المللی اند و می‌توانند پای قدرت‌های بزرگ را به عنوان

نیروی مداخله‌گر به منطقه مورد منازعه باز کنند. در مورد سوریه، آمریکا در صدد حفظ امنیت اسرائیل و ایجاد چتر امنیتی در قبال متحدین خود و اعمال هژمونی جهانی در منطقه خاورمیانه است که ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای سعی در به چالش کشیدن نظم آن را دارد. محور اصلی مقابله با دولت سوریه را باید در راهبردهای امنیتی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و بازیگران منطقه‌ای دانست. چنین اقدامی در راستای موازنه راهبردی تهدید انجام می‌گیرد.

در اندیشه ژئوپلیتیکی آمریکا و ترکیه و در رویکرد ایدئولوژیک عربستان، ایران به عنوان تهدید امنیتی محسوب می‌شود. به همین دلیل است که سه کشور فوق از طرح تضعیف و نابودی دولت سوریه برای کاهش قدرت منطقه‌ای ایران و ضربه زدن به محور مقاومت، بهره‌گیری می‌کنند. با عنایت به آنچه پیرامون جایگاه هژمون و مؤلفه‌های قدرت آن گفته شد و با ترسیم جایگاه ایران به عنوان رقیب ایدئولوژیک هژمون کنونی، می‌توان گفت تمام اقدامات ایران به عنوان دولت انقلابی در راستای ایدئولوژی و باورهای مطرح در متن انقلاب اسلامی است که هژمون را به چالش کشیده است.

۲-۸. ضربه خوردن محور مقاومت

مفهوم مقاومت در حمایت از مظلومان عالم، علی‌الخصوص حمایت از فلسطین و مقابله با اسرائیل، تبلور می‌یابد. حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی در راستای نابودی اسرائیل و محو آن از روی زمین و معرفی اسرائیل به عنوان غده سرطانی منطقه (جمله معروف امام خمینی)، عملاً یکی از مهم‌ترین دال‌های گفتمان خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل داده است و تمام توان خارجی و نقشه‌های راهبردی سیاست خارجی ایران براساس این گفتمان شکل گرفته است (جوادی و چابکی، ۱۳۸۹: ۵۹-۳۹).

جمهوری اسلامی ایران در قالب حمایت از گروه‌های مبارز در راه آزادی فلسطین، به دنبال بسط اندیشه مقاومت در برابر غرب و ایجاد مقبولیت در جهان اسلام برای اندیشه مقاومت است و در این راستا، با حمایت همه‌جانبه از مبارزه با رژیم صهیونیستی، خود را به عنوان رأس هرم مقاومت معرفی می‌کند.

هدف غایی این گفتمان، نه فقط رهایی فلسطین از اشغال، بلکه ایجاد باوری جدید در جهان اسلام برای خودباوری و نوسازی تمدن اسلامی است که بتواند در برابر فرهنگ سلطه‌جوی غرب به رقابت بپردازد. جمهوری اسلامی، ایدئولوژی خود را در قالب امت واحده عرضه می‌کند که در پی ایجاد نظامی جهانی مبتنی بر ادبیات رهایی‌بخش اسلام انقلابی و فقاهتی است و ویژگی اصلی این نظام،

سه مؤلفه عدالت، اخلاق و معنویت است (محمدی، ۱۳۸۴: ۵۱ - ۸۴). با درک اهمیت مقاومت برای بقای اندیشه و ایدئولوژی انقلاب اسلامی و نیز درک اهمیت مسئله آزادسازی فلسطین به عنوان نماد خارجی این اندیشه، می‌توان به سادگی دریافت که رقابت ایدئولوژیک دولت انقلابی و هژمون در مسئله فلسطین با هم تلاقی می‌کنند و عملاً پیروزی در این میدان، ضربه بزرگی بر رقیب خواهد بود. در این مسیر، جمهوری اسلامی توانسته است با ایجاد محور مقاومت با همراهی حزب الله لبنان، برخی گروه‌های مبارز فلسطین، سوریه و عراق و البته افکار عمومی جهان اسلام و جبهه خود را محکم گرداند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۹۲).

در میان تمام متحدان، جریان مقاومت سوریه به دلیل این‌که خط مواصلاتی و تدارکاتی جریان مقاومت است، نقشی کلیدی دارد. از میان رفتن هر کدام از پایه‌های جریان مقاومت، بی‌شک ضربه بزرگی بر پیکره این جریان خواهد بود. در صورت بقای سوریه در جریان مقاومت ضدصهیونیستی و با توجه به رشد اسلام سیاسی و تمدنی و گسترش دامنه حرکات اسلامی در خاورمیانه و تشدید تنازع گفتمانی بین طرفداران وضع موجود به سرکردگی آمریکا و اروپا و همراهی ایادی منطقه‌ای آنان چون عربستان سعودی و ترکیه از یک‌سو و مخالفان این وضع به ویژه جمهوری اسلامی ایران، حزب الله و سوریه (دهشیری، ۱۳۹۲: ۳۷). از سوی دیگر، شاهد چند رخداد استراتژیک خواهیم بود:

۱. نفی بیش از پیش نظام سلطه و به چالش کشیدن هژمونی جهانی آمریکا و نقد مدیریت یک جانبه جهانی؛
 ۲. تنزل جایگاه رژیم صهیونیستی و افول کارکرد منطقه‌ای آن؛
 ۳. ارتقای تأثیرگذاری ایران به عنوان بازیگر فعال و قدرتمند منطقه‌ای؛
 ۴. ناکارآمدی ائتلاف‌های بین‌المللی به خصوص ناتو در مقابله با بحران‌های منطقه‌ای؛
 ۵. تعمیق دامنه جبهه مقاومت به خصوص در شمال آفریقا و خلیج فارس (دهشیری، همان)؛
- مواضع جریان مقاومت در سوریه، حول همین محور قابل بررسی و ارزیابی است.

۳-۸ هضم شدن در مناسبات بین‌المللی

هضم انقلاب اسلامی و سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی در مناسبات ناعادلانه بین‌المللی، باعث عقب‌نشینی ایران از گفتمان اسلام ناب محمدی می‌شود. عوارض این موضوع به شرح زیر است:

۱. الگوی انقلاب اسلامی که خاص جمهوری اسلامی بوده و یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌بخش آن است، تضعیف می‌شود.

۲. گفتمان مقاومت مبنی بر سلطه‌ستیزی، کارکرد نهضتی مبنی بر حمایت از مسلمانان، مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش که حول جمهوری اسلامی ایران تعیین یافته است، تضعیف می‌شود.

۳. نفوذ منطقه‌ای و الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام تضعیف می‌شود. در منطقه حساس غرب آسیا، ایران، ترکیه و عربستان سعودی سه قدرت منطقه‌ای هستند که برای بسط نفوذ خود با یکدیگر رقابت می‌کنند. در نبرد علیه اسرائیل، ایران بر اساس اصول اسلام ناب محمدی، جانب مظلوم را می‌گیرد و این همان نقطه عطف دیپلماسی انقلابی است؛ زیرا در قواعد دیپلماسی جهانی، هژمون و متحدان آن در پی منافع خود هستند مظلوم و ظالم برای آنان فرقی ندارد. لذا در بحران سوریه ایران به دنبال حفظ جریان مقاومت علیه اسرائیل است. ایران به عنوان کشوری انقلابی که با نظم موجود بین‌المللی مخالف است و در پی به چالش کشیدن هژمونی آمریکاست و ترکیه و عربستان که در پی موازنه راهبردی با ایران هستند، دو قطب منطقه‌ای بحران سوریه هستند. بحران‌های منطقه‌ای دارای آثار و پیامدهای بین‌المللی هستند و می‌توانند پای قدرت‌های بزرگ را به عنوان نیروی مداخله‌گر به منطقه مورد منازعه باز کنند.

در مورد سوریه، آمریکا در صدد حفظ امنیت اسرائیل و ایجاد چتر امنیتی در قبال متحدین خود و اعمال هژمونی جهانی در منطقه خاورمیانه است که ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای سعی در به چالش کشیدن نظم آن را دارد. محور اصلی مقابله با دولت سوریه را باید در راهبردهای امنیتی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و بازیگران منطقه‌ای دانست. چنین اقدامی در راستای موازنه راهبردی تهدید انجام می‌گیرد. در اندیشه ژئوپلیتیکی آمریکا و ترکیه و در رویکرد ایدئولوژیک عربستان، ایران به عنوان تهدید امنیتی محسوب می‌شود. به همین دلیل است که سه کشور فوق از الگوی مقابله با دولت بشاراسد برای کاهش قدرت منطقه‌ای ایران و ضربه به محور مقاومت بهره‌گیری می‌کنند. با عنایت به آنچه پیرامون جایگاه هژمون و مؤلفه‌های قدرت آن گفته شد و با ترسیم جایگاه ایران به عنوان رقیب ایدئولوژیک هژمون کنونی، می‌توان گفت تمام اقدامات ایران به عنوان دولت انقلابی در راستای ایدئولوژی و باورهای مطرح در متن انقلاب اسلامی است که هژمون را به چالش کشیده است.

مفهوم مقاومت در حمایت از مظلومان عالم علی‌الخصوص حمایت از فلسطین و مقابله با اسرائیل تبلور می‌یابد. حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی در راستای نابودی اسرائیل و محو آن از روی زمین

و معرفی اسرائیل به عنوان غده سرطانی منطقه (جمله معروف امام‌خمینی (ره)) عملاً مهم‌ترین گفتمان خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل داده است و تمام توان خارجی و نقشه‌های راهبردی سیاست خارجی ایران براساس این گفتمان شکل گرفته است.

جمهوری اسلامی ایران در قالب حمایت از گروه‌های مبارز در راه آزادی فلسطین به دنبال بسط اندیشه مقاومت در برابر غرب و ایجاد مقبولیت در جهان اسلام برای اندیشه مقاومت است و در این راستا با حمایت همه‌جانبه از مبارزه با رژیم صهیونیستی، خود را به عنوان رأس هرم مقاومت معرفی می‌کند. هدف غایی این گفتمان نه فقط رهایی فلسطین از اشغال بلکه ایجاد باوری جدید در جهان اسلام برای خودباوری و نوسازی تمدن اسلامی است که بتواند در برابر فرهنگ سلطه‌جوی غرب به رقابت بپردازد.

جمهوری اسلامی ایدئولوژی خود را در قالب امت واحده عرضه می‌کند که در پی ایجاد نظامی جهانی مبتنی بر ادبیات رهایی‌بخش اسلام انقلابی و فقه‌ای است و ویژگی اصلی این نظام سه مؤلفه عدالت، اخلاق و معنویت است. با درک اهمیت مقاومت برای بقای اندیشه و ایدئولوژی انقلاب اسلامی و نیز درک اهمیت مسئله آزادسازی فلسطین به عنوان نماد خارجی این اندیشه می‌توان به سادگی دریافت که رقابت ایدئولوژیک دولت انقلابی و هژمون در مسئله فلسطین با هم تلاقی می‌کنند و عملاً پیروزی در این میدان ضربه بزرگی بر رقیب دیگر خواهد بود.

در این مسیر جمهوری اسلامی توانسته است با ایجاد خط مقاومت با همراهی حزب‌الله لبنان، برخی گروه‌های مبارز فلسطینی، سوریه و عراق و البته افکار عمومی جهان اسلام جبهه خود را محکم گرداند. در میان تمام متحدان جریان مقاومت سوریه به دلیل این‌که خط مواصلاتی و تدارکاتی جریان مقاومت است، دارای نقشی کلیدی است. از میان رفتن هر کدام از پایه‌های جریان مقاومت، بی‌شک ضربه بزرگی بر پیکره این جریان خواهد بود.

در صورت بقای سوریه در جریان مقاومت ضد صهیونیستی و با توجه به رشد اسلام سیاسی و تمدنی و گسترش دامنه حرکات اسلامی در غرب آسیا و تشدید تنازع گفتمانی بین طرفداران وضع موجود به سرکردگی آمریکا و اروپا و همراهی ایادی منطقه آنان چون عربستان سعودی و ترکیه از یک سو و مخالفان این وضع به ویژه جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله و سوریه، شاهد چند رخداد استراتژیک خواهیم بود:

۱. نفی بیش از پیش نظام سلطه و به چالش کشیدن هژمونی جهانی آمریکا و نقد مدیریت

یک‌جانبه جهانی؛

۲. تنزل جایگاه رژیم صهیونیستی و افول کارکرد منطقه‌ای آن؛

۳. ارتقای تأثیرگذاری ایران به عنوان بازیگر فعال و قدرتمند منطقه‌ای؛

۴. ناکارآمدی ائتلاف‌های بین‌المللی به خصوص ناتو در مقابله با بحران‌های منطقه‌ای؛

۵. تعمیق دامنه جبهه مقاومت به خصوص در شمال آفریقا و خلیج فارس و مواضع جریان مقاومت در سوریه حول همین محور قابل بررسی و ارزیابی است.

نتیجه‌گیری

رهبر حکیم انقلاب، نیازسنجی به بازتعریف الگوی اصیل دیپلماسی ایرانی - اسلامی در دهه چهارم انقلاب اسلامی مقابل مفاهیم غربی دیپلماسی را به چهار محور اساسی؛ ۱- «مانور هنرمندانه و قهرمانانه»، ۲- «برخورد مبتکرانه»، ۳- «عزت، حکمت و مصلحت» و ۴- «دیپلماسی انقلابی» تاکید نمودند. وی در تعریف دیپلماسی فعال و دیپلماسی اشاره نمودند که «عرصه دیپلماسی، عرصه شیطنت است؛ یک چنین عرصه‌ای است؛ هوشمندی لازم است، ابتکار عمل لازم است، نوع برخورد مبتکرانه لازم است؛ این‌ها ناشی از همین روحیه انقلابی است که ما از آن تعبیر می‌کنیم به روحیه بسیجی، روحیه جوان، مبتکر، پیشرو، دارای اعتماد به نفس. دیپلماسی ما باید با روحیه انقلاب همراه باشد و می‌توان با صراحت، مبانی خود و اصول خود را گفت و پیش هم رفت. در همه جا بایست در دیپلماسی موضع فعال داشته باشیم. بایستی انسان به خصوص در مسائل شبیه مسائل منطقه، خیلی لازم است که با دقت و هوشیاری و قدرت فعل، فعال بودن و اثرگذار بودن، وارد میدان شود، عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب‌شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده می‌کنیم که این‌ها می‌تواند با هم جمع شود، انقلابی‌گری به این نیست که ما آن‌جایی که نباید پرخاش کنیم، بی‌خودی پرخاش کنیم. انقلابی‌گری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. البته این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ این‌ها را باید رعایت کرد.»

تاکید نامبرده با اشاره به عزت و حکمت و مصلحت، که یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی است، معتقد است که «حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به

مواضع خودتان نزدیک کنید؛ این‌ها در تضاد با هم نیستند. حکمت و عزت و مصلحت مکمل هم‌اند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند و در درجه اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند. حکمت یعنی با منطق، متین در عرصه دیپلماسی وارد شدن. جوهره و ماهیت این دیپلماسی، استقلال، عدم وابستگی، دنباله‌روی نکردن از قدرت‌های بزرگ و حمایت از مظلومان و مستضعفان در سراسر جهان است.

به نظر می‌رسد دیپلماسی انقلابی عصاره چنین سنتی باشد که از کیفیت بالایی برخوردار است. از طرفی دیپلماسی انقلابی را باید با دیگر رویکردهای دیپلماتیک نظیر دیپلماسی مماشات و تهاجمی تفکیک کرد؛ چراکه دیپلماسی اقتدار در انقلاب اسلامی و عناصر معنوی به ویژه روحیه جهاد و شهادت ریشه دارد.

دیپلماسی اقتدار با محاسبات کمی و عدد و رقم‌های مادی نمی‌خواند. در واقع اگر چنین بود، شعار نه شرقی نه غربی مدت‌ها پیش رنگ‌باخته بود و ایران اسلامی در محاسبه قدرت‌های بزرگ جایگاهی نداشت. البته با مروری بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشور در چهار دهه گذشته ملاحظه می‌شود که در مقاطعی از دیپلماسی اقتدار خبری نبوده یا کم‌رنگ شده است که درست در همین مقاطع زیاده‌خواهی‌های دشمنان نظام اوج گرفته و آن‌ها را گستاختر کرده است که این مورد هم در برابر قدرت‌های بزرگ و حتی برخی کشورهای منطقه نظیر آل‌سعود مصداق داشته است، اما هر زمان که پاشنه سیاست خارجی روی دیپلماسی اقتدار چرخیده است، دشمنان به سرعت عقب‌نشینی کرده با عذرخواهی به جایگاه ایران اسلامی احترام گذاشته‌اند.

تازه‌ترین نمونه دیپلماسی اقتدار برخورد قاطعانه نیروی دریایی سپاه با تفنگداران دریایی آمریکا بود که حرکت هماهنگ و به موقع دستگاه سیاست خارجی با این اقدام شجاعانه و مقتدرانه نه تنها سبب شد تفنگداران نیروی دریایی آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین و قوی‌ترین نیروی دریایی جهان دستانشان را بالای سر ببرند که وزارت خارجه آمریکا هم از ایران عذرخواهی کند.

این تفنگداران همان قهرمانان فیلم‌های هالیوودی هستند که آمریکا همیشه آن‌ها را به عنوان قهرمانان افسانه‌ای و شکست‌ناپذیر به تصویر می‌کشد.

نمونه تاریخی دیگر بازگشت خفت‌بار سفرای کشورهای اروپایی بعد از ماجرای میکونوس است که به‌رغم ژست اولیه این کشورها با ایستادگی مقتدرانه جمهوری اسلامی ایران پس از چند ماه یکی پس از دیگری به تهران بازگشتند.

در مقوله مذاکرات هسته‌ای نیز هر جا ایران اسلامی با توسل به مواضع قاطعانه و هوشمندانه رهبر انقلاب، پشتوانه مردمی نظام و قدرت دفاعی نیروهای مسلح مقتدرانه در برابر زیاده‌خواهی‌های ۵+۱ به خصوص هسته غربی آن، یعنی آمریکا و تروئیکای اروپا ایستاد، آن‌ها عقب‌نشینی کرده نظرات و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران را پذیرفته و به آن احترام گذاشتند تا جایی که به التماس‌ها و جیغ‌وداد دوستان منطقه‌ای خود نظیر رژیم اسرائیل و عربستان نیز وقعی نهند.

«اجرای سیاست‌های انقلابی در هر زمینه، از جمله عرصه دیپلماسی باعث افزایش اقتدار و تأثیرگذاری، ارتقای جایگاه کشور و عزت و اعتبار ایرانیان در میان ملت‌ها می‌شود.»

به این ترتیب فارغ از رویکردهای آکادمیک حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اعم از آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی یا ترکیبی از این دو با عنوان سیاست خارجی آرمان‌گرایی واقع‌گرا، آنچه ویرترین شایسته و آینه تمام نمای برآمده از دکترین نه شرقی نه غربی حضرت امام (ره) و سه اصل عزت، حکمت و مصلحت رهبر معظم انقلاب بوده، همانا دیپلماسی اقتدار است که همواره بایستی استمرار داشته باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷.
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴. حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۷)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۱۹۹۱-۲۰۰۱)*، تهران: وزارت امور خارجه.
۵. محمدی، منوچهر (۱۳۷۰)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل*، تهران: دادگر، ص ۴۳.
۶. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت.
۷. مقتدر، هوشنگ (۱۳۵۸)، *مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران: دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.
۸. منصوری، جواد (۱۳۶۵)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: امیرکبیر، ص ۱۷۸.
۹. هالستی، کی جی (۱۳۷۳)؛ *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، چ ۵، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.

۱۰. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ص ۶۸.
۱۱. سویلمی، مرتضی (۱۴۰۲)، *مبانی دیپلماسی انقلابی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی*، تهران: اندیشکده صنایع نرم
۱۲. جوادی ارجمند، محمدجعفر و ام‌البنین چابکی (۱۳۸۹)، «هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و سیاست، دوره ۴، ش ۱، ص ۳۹-۵۹.
۱۳. حاجی یوسفی، امیر (۱۳۸۸)، «هلال شیعی، فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران، اعراب و آمریکا»، *دانش سیاسی*، س ۵، ش ۱، ص ۱۵۹-۱۹۲.
۱۴. دهشیری، محمدرضا (فروردین‌ماه ۱۳۹۱)، «آوردگاه تغییر نظم منطقه‌ای»، *همشهری دیپلماتیک*، ش ۷۰، ص ۳۷.
۱۵. بیانات در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه ۱۳۶۸/۵/۳۱
۱۶. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۸۳/۵/۲۵
۱۷. بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۱۸. بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور ۱۳۹۰/۱۰/۰۷
۱۹. دیدار وزیر امور خارجه، سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب ۱۳۹۴/۰۸/۱۰
۲۰. بیانات رهبر انقلاب به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام‌خمينی (ره) در تاریخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۴
۲۱. بیانات در دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۰۲/۱۹
۲۲. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی ۱۳۹۶/۰۶/۲۶.
۲۳. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۰۶/۰۳.
۲۴. دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های ج.ا.ا. در خارج از کشور با رهبر انقلاب ۱۳۹۳/۰۵/۲۲
۲۵. بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور ۱۳۹۰/۱۰/۰۷
۲۶. بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان وزارت خارجه ۱۳۹۳/۰۵/۲۲
۲۷. حضور و سخنرانی رهبر انقلاب در دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۰۲/۱۹
۲۸. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۷/۰۳/۰۲